

بررسی تطبیقی شکرگزاری در قرآن کریم و بوستان سعدی

محمد رضا ساسانی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۳

چکیده

مباحث بین رشته‌ای مثل قرآن و ادبیات باید به عنوان یکی از فعالیت‌های قرآن پژوهی و راهی برای نشر فرهنگ اسلامی، مورد توجه قرار گیرد. شکرگزاری یکی از فضائل اخلاقی است و در هر دو فرهنگ اسلامی و فارسی، انسان به شکر خداوند بسیار سفارش شده است. به طوری که در قرآن، این فضیلت اخلاقی در کنار صفاتی چون مطیع اوامر الهی بودن آمده و سعدی نیز در بوستان خود بایستی مستقل را به شکر بر عافیت اختصاص داده است که دلیلی بر اهمیت این مقوله در فرهنگ اسلامی و ادب فارسی می‌باشد. در این مقاله فضیلت شکرگزاری به عنوان پلی ارتباطی بین فرهنگ اسلامی و ادب فارسی بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سعدی با تأسی به قرآن، پیوندی ظریف و محکم بین این دو فرهنگ برقرار کرده است که منجر به اعتلای ادب این مرز و بوم شده است.

کلیدواژگان: قرآن پژوهی، ادبیات، شکر نعمت، فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی.

مقدمه

مسأله تحقیق: در این تحقیق، با استناد به قرآن کریم و بوستان سعدی، تأثیرپذیری سعدی از قرآن در مقوله شکرگزاری بررسی می‌شود.

ضرورت و هدف تحقیق: مباحث بین رشته‌ای مثل قرآن و سایر علوم من جمله ادبیات باید به عنوان یکی از فعالیت‌های قرآن پژوهی و راهی برای نشر فرهنگ اسلامی، بسیار مورد توجه قرار گیرد.

همان‌طور که می‌دانیم پس از ورود اسلام به ایران، دین مبین اسلام تأثیرات انکارناپذیری بر روی هنر و ادب فارسی داشته است که منجر به پیوندی جدائی ناپذیر بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی شده است. سعدی از شعرا و ادبای بزرگ ایران است و بوستان او نمادی از ادب فارسی می‌باشد که از قرآن کریم، کلام خداوند که بنا بر فرمایش حضرت علی(ع) در آن چشمه‌های دانش است (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶: ۲۴۱)، تأثیر پذیرفته است. به همین دلیل یکی از راه‌های پی بردن به تأثیر فرهنگ غنی اسلامی بر روی فرهنگ و ادب فارسی، بررسی میزان تأثیرپذیری این شاعر بزرگ از دین اسلام می‌باشد.

از آنجا که شکرگزاری یکی از فضائل پسندیده اخلاقی است که در قرآن کریم به طور مکرر به آن اشاره و توصیه شده است، و سعدی نیز در بوستان خود فصلی را به مقوله شکرگزاری اختصاص داده است، این مقوله به عنوان پلی ارتباطی بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ و ادب ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تحقیق: در مورد مقوله شکرگزاری، به عنوان یک فضیلت، در آثار ادبی و دینی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. در ضمن اینکه شکرگزاری خود یک صفت اخلاقی است و علمای اخلاق نیز به آن توجه داشته‌اند. اما به صورت بررسی تطبیقی بین قرآن کریم و «بوستان» سعدی، پژوهشی یافت نشد.

شکرگزاری در قرآن و احادیث

در منابع اسلامی آیات، احادیث و روایات فراوانی در مورد شکر و شکرگزاری وجود دارد که جنبه‌های مختلف شکرگزاری را شامل می‌شوند.

طبق احادیث، شکرگزاری دارای سه جنبه یا مرحله است: شکر قلبی، شکر زبانی، شکر عملی؛ که بالاترین مرحله همان شکر عملی می‌باشد. حضرت امام صادق (ع) در سه حدیث، این سه مرحله شکر را به زیبایی بیان کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «هر که خداوند نعمتی به او بدهد و او قلباً آن را بشناسد، شکر آن را به جا آورده است» (ترجمه اصول کافی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۲۲، حدیث ۱۵) و نیز می‌فرمایند: «اگر انسان برای نعمت کوچک یا بزرگی که خداوند به او داده است الحمدلله بگوید، شکر آن نعمت را ادا کرده است» (ترجمه اصول کافی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۲۱، حدیث ۱۴) و در حدیث دیگری، در صورتی یک فرد را شاکر می‌دانند اگر خدا را بر هر نعمتی که نسبت به اهل و مال به او داده، سپاس و ستایش کند و اگر در مالی که خدا به او ارزانی داشته حقی تعلق گرفته است آن را ادا کند (ترجمه اصول کافی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۲۰، حدیث ۱۲). همچنین حضرت امام علی (ع) می‌فرمایند: «بهترین شکر نعمت‌ها، بخشیدن از آن است» (شرح غرر الحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۰۷ و اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۹۰)؛ که در حقیقت توصیه به شکر عملی است. همچنین عبادت پروردگار یکی از روش‌های شکرگزاری عملی است (اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۹۰) و حتی امیر مؤمنان (ع) بهترین نوع عبادت را عبادتی می‌دانند که با انگیزه شکرگزاری از پروردگار انجام شود (عبادت آزادگان) نه با انگیزه بدست آوردن بهشت یا ترس از جهنم (عبادت بازرگانان و بردگان) (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷: ۴۸۵ و اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۹۰).

از نظر قرآن، هدف آفرینش جن و انس و یکی از عوامل رسیدن به رستگاری و کمال، عبادت خداوند است به طوری که خداوند در قرآن (ذاریات / ۵۶) می‌فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» و در آیه‌ای دیگر (حج / ۷۷) می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید!». پس عبادت پروردگار، که بهترین نوع آن از روی شکرگزاری است و خود نوعی شکرگزاری عملی می‌باشد، یکی از راه‌های رسیدن به رستگاری است و از درجه بالایی از اهمیت برخوردار می‌باشد.

همچنین در قرآن به طور مستقیم و مکرر، از مقوله شکرگزاری صحبت به میان آمده است. به طور مثال در آیه ۷ سوره ابراهیم، شکر نعمت عامل افزایش نعمت ذکر شده است که در واقع به نفع خود انسان است و یا در آیه ۴۰ سوره نمل مستقیماً اشاره به این دارد که هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند. از طرفی نعمت‌های خداوند آنقدر زیاد است که قابل شمارش نیست و در آیه ۱۸ سوره نحل به این نکته اشاره شده است؛ پس شکر کامل پروردگار امکان‌پذیر نیست. اما این نکته به این معنی نیست که از شکرگزاری حضرت حق غافل شویم و بهانه‌ای برای غفلتمان باشد و هر انسانی در هر مرحله‌ای باید به شکرگزاری معبود یکتا پردازد؛ همان‌طور که خداوند در آیه ۱۱۴ سوره نحل می‌فرماید: «پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می‌پرستید». در ضمن شکر نعمت‌های پروردگار آنقدر مهم است که در سوره نحل آیه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱ در وصف صفات حضرت / ابراهیم (ع) می‌فرماید: «ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هرگونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ شکرگزار نعمت‌های پروردگار بود ...» و این صفت را در کنار اطاعت از خدا و مشرک نبودن وی می‌آورد. از اینجا نیز به اهمیت شکرگزاری پروردگار پی می‌بریم. به طور خلاصه شکر نعمت پروردگار از هر جهت به سود خود انسان است و منجر به افزایش نعمت می‌شود و در ضمن یکی از عوامل نیل به رستگاری، که کمال نهایی انسان است، می‌باشد.

شکرگزی در فرهنگ اسلامی و ادب ایرانی

سعدی در «بوستان» در بابتی مجزا در مورد شکر بر عافیت سخن گفته است که خود دلیلی بر اهمیت این مقوله در ادب فارسی می‌باشد. وی با استفاده از نکات اخلاقی از جمله شکرگزاری و نیز با استفاده از منابع عظیم اسلامی از جمله قرآن کریم، سعی در احیا و انتشار مفاهیم و نکات فرهنگ اسلامی دارد (فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، شماره ۳: ۲۳-۴۷). در این قسمت بر آن‌ايم تا سخنان سعدی در باب "شکر بر عافیت" «بوستان» را بر اساس فرمایشات قرآن کریم بررسی کرده و میزان تأثیرپذیری وی از قرآن را در این باب بسنجیم.

به نظر سعدی انسان نمی‌تواند آنچنان که شایسته خداوند است شکر او را بجا آورد و آنقدر نعمت‌های الهی فراوان است که اگر همه موجودات عالم سپاس پروردگار را بگویند باز هم کافی نمی‌باشد:

نفسی می‌نیارم زد از شکر دوست
عطائی است هر موی ازو بر تنم
و یا در جای دیگر می‌گوید:

که شکرش نه کار زبانست و بس
که می‌بینم انعامت از وصف بیش
که فوج ملایک بر اوج فلک
ز شکر هزاران یکی گفته‌اند

در قرآن نیز در آیه ۱۸ سوره نحل به عدم توانایی انسان در شمارش نعمت‌های خداوند اشاره می‌کند که خود دلیلی بر عدم توانایی انسان در شکر کامل نعمت‌های خدا است.

در سخنی دیگر سعدی حکایت جوانی که با مادر خود تندی کرده است را می‌آورد:
جوانی سر از رای مادر بتافت
و در انتهای شعر می‌فرماید:

چه پوشیده چشمی ببینی که راه
نداند همی وقت رفتن ز چاه
تو گر شکر کردی که با دیده‌ای
و گرنه تو هم چشم پوشیده‌ای

در اینجا فرد ناسپاس را به انسانی تشبیه کرده است که بر خلاف فرد شاکر، راه را از چاه نمی‌تواند تشخیص دهد و در صورتی که انسان ناسپاسی کند، ضرر و زیان ناسپاسی به خود فرد می‌رسد. همان‌طور که قرآن در سوره ابراهیم آیه ۲۸ می‌فرماید: «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟» مفسران در این آیه، مصادیق مختلفی از جمله وجود مبارک حضرت پیامبر(ص) و یا ائمه اهل بیت را برای نعمت خدا قائل شده‌اند، ولی این آیه می‌تواند مفهوم گسترده‌تر همه نعمت‌های الهی را نیز شامل شود(اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی،

۱۳۸۵، ج ۳: ۶۷). به هر حال این آیه مصداق کفران نعمت است که در نهایت به ضرر فرد کفران کننده می‌باشد.

سعدی در مورد خلقت انسان و برتری‌هایی که انسان نسبت حیوان دارد می‌گوید:

ببین تا یک انگشت از چند بند	به صنع الهی بهم درفگند
بهائم به روی اندر افتاده خوار	تو همچون الف بر قدمها سوار
نگون کرده ایشان سر از بهر خور	تو آری به عزت خورش پیش سر
خردمند طبعان منت شناس	بدوزند نعمت به میخ سپاس

همان‌طور که می‌بینیم در این شعر نیز سعدی با ذکر الطاف خداوند نسبت به انسان، راه از دست ندادن نعمت‌های پروردگار را شکرگزاری می‌داند. قرآن نیز در آیه ۷ سوره ابراهیم می‌فرماید: «... اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود...». به این ترتیب انسان شاکر نه تنها نعمت از دست نمی‌دهد بلکه آن نعمت به واسطه شکرگزاری افزایش هم می‌یابد.

سعدی بعد از ذکر اهمیت شکر نعمت، به چگونگی و روش انجام شکرگزاری می‌پردازد و به شکر عملی که بالاترین مرحله شکرگزاری است، اشاره دارد:

زبان آمد از بهر شکر و سپاس	به غیبت نگرداندش حق شناس
گذرگاه قرآن و پندست گوش	به بهتان و باطل شنودن مکوش
دو چشم از پی صنع باری نکوست	ز عیب برادر فرو گیر و دوست

در این ابیات انسان از غیبت و شنیدن باطل و دیدن و برملا کردن عیوب دیگران بر حذر داشته شده است و استفاده درست از زبان و گوش و چشم را گوشزد می‌کند که در حقیقت شکر عملی برای نعمت‌های فوق است.

در قرآن نیز در آیه ۱۳ سبا می‌فرماید: «... ای آل داود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید...». در تفسیر این آیه آمده است که اینجا منظور از شکر همان شکر در عمل است یعنی استفاده از نعمت‌های پروردگار در مسیری که مطابق با علت آفرینش و اعطای آن‌ها می‌باشد (تفسیر نمونه، ج ۱۸: ۴۱).

از دیگر مصداق شکر عملی، رحم و بخشش در زمان توانایی و قدرت است که سعدی

در بیت:

به پیر کهن بر ببخشد جوان
توانا کند رحم بر ناتوان

به آن اشاره دارد و در آیه ۲۲ سوره نور خداوند می‌فرماید: «آن‌ها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.» و سخن آخر:

سعدی توانایی‌های انسان را لطفی از طرف حضرت حق می‌داند و عبادت انسان به درگاه باری تعالی و پرستش او را نیاز انسان می‌داند:

توانایی تن میدان از خورش
که لطف حقت می‌دهد پرورش

گدائی است تسبیح و ذکر و حضور
گدا را نباید که باشد غرور

همان‌طور که قبلاً بیان شد بهترین نوع عبادت، عبادت از روی شکرگزاری می‌باشد و همچنین عبادت و پرستش معبود یگانه، نیاز انسان برای رسیدن به قله رستگاری می‌باشد؛ همان‌طور که در آیه ۲۱ سوره بقره می‌فرماید: «ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید؛ تا پرهیزگار شوید.» در تفسیر این آیه، اشاره به نعمت آفرینش انسان‌ها را در حقیقت برای برانگیختن حس شکرگزاری مردم و جذب آن‌ها به پرستش و عبادت خداوند می‌دانند (تفسیر نمونه، ج ۱: ۱۱۷) که نتیجه آن، تقوا و پرهیزگاری است. و البته که خداوند به عبادت و پرستش انسان‌ها نیاز ندارد و این خود انسان است که به پرستش معبود یگانه نیازمند می‌باشد. در آیه ۷ سوره زمر خداوند می‌فرماید: «اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است...» و در آیه ۱۵ فاطر می‌فرماید: «ای مردم! شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است» و همچنین در آیه ۱۲ سوره لقمان می‌فرماید: «ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور! هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند)؛ چراکه خداوند بی‌نیاز و ستوده است.»

نتیجه بحث

سعدی به عنوان یکی از نمادهای شاخص فرهنگ و ادب ایرانی با تکیه و تأسی به قرآن که رکن و اساس فرهنگ خدایی و اسلامی است و با زینت بخشیدن ادب ایرانی به تعالیم آسمانی دین اسلام، توانسته است ادب فارسی را به اوج کمال برساند. در ضمن اینکه وی با کلامی شیوا و ادیبانه و در عین حال ساده، به خوبی توانسته است فرهنگ اسلامی را به قشرهای مختلف جامعه که به نوعی با کتاب و کتاب خوانی ارتباط دارند در طی قرون متمادی نشان بدهد. وی با استادی هرچه تمام‌تر پلی و پیوندی ظریف و محکم بین فرهنگ غنی اسلامی و ادب ایرانی برقرار کرده است که ناگسستنی بوده و منجر به ریشه دواندن اسلام در رگ و پی ادب فارسی و اعتلای ادب این مرز و بوم شده است.

به طور خلاصه، دین اسلام تأثیر و نفوذی شگرف بر روی ادب و ادبیات ایرانی داشته است و به آن زیبایی و لطافتی بخشیده است که روح و فطرت انسان‌های طالب حق و حقیقت را نوازش و سیراب می‌کند.

کتابنامه

- قرآن مجید. ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
استاد ولی، حسین. ۱۳۹۰ش، تصحیح و ترجمه و توضیح اصول کافی کلینی، چاپ دوم، تهران: دار
الثقلین.
آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. ۱۳۶۶ش، شرح بر غرر الحکم و درر الکلم، چاپ سوم، تهران:
دانشگاه تهران.
سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین. ۱۳۵۴ش، کتاب بوستان؛ شرح اشعار و حواشی، نگارش محمدعلی
ناصر، بنیاد نیکوکاری نوریانی.
مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان. ۱۳۶۳ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب
الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۵ش، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

مقالات

- ابراهیمی، ابراهیم و ترابی، زینب. ۱۳۹۴ش، «بررسی تطبیقی فرهنگ فناعت در قرآن کریم و
بوستان و گلستان سعدی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال سوم، شماره
سوم، صص ۴۷-۲۳.